



”

سال ۲۰۱۱ بود که برای مسابقات جوانان به مالزی سفر کردیم. در این مسابقات، من کاپیتان تیم ملی بودم و بهترین بازیکن آن دوره شدم. خدا را شکر در این مسابقات جوانان، قهرمان آسیا شدیم

نمی‌کنم که مربی گفت: تاحدی که باید برای درمان باید تمرین‌های فشرده انجام می‌شد، شما انجام دادید. روز آخری مربی آمد با بغض، تقویمی هدیه داد که صفحه اول آن نوشته بود که: «هرزمان به تو تمرین دادم، شب‌ها از فشاری که به تو می‌آوردم گریه و استغفار می‌کردم.» الحمدلله با همین تمرین‌های سخت مربی، عضله‌های هر دو پا مثل یکدیگر ماند و تغییر نکرد.

مربی بنده با سرمربی تیم ملی والیبال نشست، رفاقت داشتند. بعد از اتمام دوره تمرین و درمان، پیشنهاد بازی در تیم والیبال نشستند را دادند.

با سرمربی تیم ملی والیبال نشست که صحبت شد، عرض کردم که آسیب‌دیدگی پا از عصب سیاتیک است؛ آتروفی عضله داشتم و بهتر شده است. ایشان به بنده گفتند: «برو سالمی هستی اصلاً والیبال نشستند نمی‌خواهد.» بنده با این صحبت، خوشحال شدم تا اینکه به دوره مسابقات ورزشی وزارت علوم رسیدم.

### والیبال نشسته؛ فرصتی جدید

بعد از حدود دو سال گذشت از آن ایام که ساعت تمرین بنده کمتر شده بود، عضله پایم دوباره مقداری آتروفی شده بود؛ یعنی این پای آسیب‌دیده از پای دیگر لاغرتر شده بود. پیگیری برای درمان را شروع کردم.

با بعضی افراد و دوستان پدر مشورت کردم و به رشته والیبال نشسته ورود پیدا کردم. دست‌برقضا همان سال ثامن الحجج بود برای والیبال نشسته،

دویم. تیم تشکیل شد و همان سال در مسابقات آموزشگاهی ناحیه چهار مشهد، رتبه دوم را کسب کردیم. البته شروع دوباره والیبال، بعد از مدتی، از دوره پیش دانشگاهی بود.

### شروع مسیر متفاوت

سال دوم دبیرستان، آن زمان تمرین‌های فشرده‌ای داشتیم تا به سطح ملی برسیم. بعد از مدتی متوجه آسیب دیدن عصب سیاتیک پا شدم. پنجه پایم روی زمین حرکت نمی‌کرد و توانایی کنترل مچ پا را نداشتم؛ با پیگیری‌های بسیار برای درمان، به نتیجه نرسیدیم. بعد از مدتی پزشک‌های مطرح تشخیص دادند که در اثر فشار زیاد تمرین، مصدومیت موجب معلولیت شده است و برای مدتی ورزش را کنار گذاشتم. روزهای درمان را هیچ‌وقت فراموش

